



# ادبیا انقلاب اسلامے

درس دہم: فصل شکوفایی  
کار گاہ متن پڑوہی  
گنج حکمت: تیرانا  
درس یازدہم: آن شب عزیز  
کار گاہ متن پڑوہی  
شعر خوانی: شکوہ چشمان تو

# درس مهم

## فصل شکوفایی



راه ما روشن است  
و سرشار از امید و زندگی

آزادی  
استعاره: وطن  
مجاز: دورهٔ انقلاب  
شادی و طراوت و پیروزی  
امروز می آید از باغ، بوی بهار من و تو  
نماد ظلم  
غیر از شب آیا چه می دید چشمان تار من و تو؟  
نماد روشنی و زندگی و امید  
امروز خورشید در دشت، آینه دار من و تو  
نماد حرکت، شکوفایی  
صد جویار است اینجا، در انتظار من و تو  
استعاره  
دستاوردهای انقلاب  
آغازی زیبا و پر دستاورد

استعاره  
حاصل زندگی، آرزوها و امیدها  
مجاز  
قبل از انقلاب  
دوران حکومت قبل از انقلاب  
۱ دیروز اگر سوخت ای دوست، غم برگ و بار من و تو  
ایران سرشار از ستم و استبداد  
آن جا در آن برخ سرد، در کوچه های غم و درد  
دیروز در غربت باغ من بودم و یک چمن دلغ  
اندوه فراوان  
غرق غباریم و غربت، با من بیاسمت باران  
استعاره  
غم و اندوه، ستم  
خوبی ها، پاکی ها  
۵ این فصل، فصل من و توست، فصل شکوفایی ما  
مجاز  
دوره  
همهٔ مردم  
زمان

سحر: نماد بیداری، آگاهی

حرکت و مبارزه آگاهی بخش انقلاب

دستاوردها، عشق، خوبی ها و زیبایی ها

با این نسیم سحرخیز، برخیز اگر جان سپردیم

درباغ می ماند ای دوست، گل یادگار من و تو

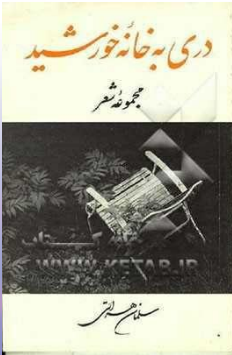
چون رود امیدوارم بی تابم و بی قسرام

من می روم سوی دریا، جای قرار من و تو

دری به خانه خورشید، سلمان هراتی

شاعر معاصر

آرامش } قرار: ایهام  
وعده گاه



# کارگاه متن پژوهی

## قلمرو زبانی

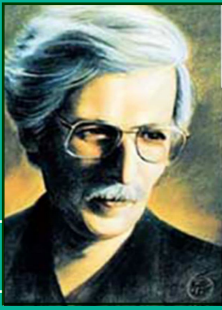
- ۱ در متن درس، واژه‌های بیابید که هم‌آوای آن در زبان فارسی وجود دارد؟
- ۲ انواع «و» (ربط، عطف) را در بیت آخر مشخص کنید.  
در مصراع اول حرف ربط همپایه ساز - مصراع دوم، من و تو، حرف عطف
- ۳ در متن درس، کدام گروه‌های اسمی، در نقش «مفعول» به کار رفته‌اند؟  
بیت اول: برگ و بار من و تو      بیت دوم: چه      بیت پنجم: بهار من و تو

## قلمرو ادبی

- تشخیص: غربت لاغ، خواندن گل، آیینه دار بودن خورشید، نسیم سحرخیز
- ۱ در متن درس، برای کاربرد هریک از آرایه‌های «تشخیص» و «تشبیه» دو نمونه بیابید.  
تشبیه: چون رود امیدوارم، کوچه‌های غم و درد
  - ۲ در بیت زیر، «برزخ سرد» و «شب» نماد چه مفاهیمی هستند؟  
آن جا در آن برزخ سرد، در کوچه‌های غم و درد      غیر از شب آیا چه می‌دید چشمان تار من و تو؟  
برزخ سرد: نماد فضای استبداد زده و پر از ستم      شب: نماد ظلم، جهل، گمراهی و ناباوری

## قلمرو فکری

- ۱ مقصود نهایی شاعر از مصراع دوم بیت زیر چیست؟  
دعوت به اتحاد، اتحاد رمز آزادی و رهایی و رسیدن به امنیت و آرامش است.  
چون رود امیدوارم، بی تابم و بی قرارم      من می‌روم سوی دریا جای قرار من و تو
- ۲ توضیح دهید بیت زیر با فصل ادبیات انقلاب اسلامی چه مناسبت و پیوندی دارد؟  
دیروز در غربت باغ من بودم و یک چمن داغ      امروز خورشید در دشت، آینه‌دار من و تو  
امید به بهروزی، آینده‌ای روشن و سرشار از زندگی پس از پشت سر گذاشتن سختی‌ها و استبداد
- ۳ درباره‌ی ارتباط موضوعی هریک از سروده‌های زیر با متن درس توضیح دهید.  
این بیت و بیت ششم، هر دو بر تأثیر گذاری اعمال و اقدامات انسان بر جامعه تأکید دارد  
الف) ز خورشید و از آب و از باد و خاک      نگردد تبه نام و گفتار پاک      فردوسی  
و اینکه آیندگان ارزش اینار گذشتگان را درک خواهند کرد و از آن بهره‌مند خواهند شد.  
ب) ای منتظر، مرغ غمین در آشیانه! / من گل به دست می‌دهم، من آب و دانه ... / می‌کارمت  
در چشم‌ها گل نقش آید / می‌بارمت بر دیده‌ها باران خورشید.
- ۴ این سروده نویدبخش شادی، امید، رهایی و آزادی است که در بیت اول، سوم و پنجم      سیاوش کسرای  
متن درس نیز، همین مضامین برداشت می‌شود.



نثر شاعرانه

تیرانا!

گنج حکمت



بی هیچ ادعا و چشم داشتی، بخشنده بودن و مهر ورزیدن

زبان گشودن: کنایه از سخن گفتن

ادعا، خواهش، آرزو

مخاطب خیالی

تیرانا! من از طبیعت آموختم که همانند با درختان بارور - بی آنکه زبان به کمتر داعیه‌ای گشاده باشم - سراسر کرامت باشم و سراپا گشاده‌دستی؛ بی هیچ گونه چشم‌داشتی به سپاسگزاری یا آفرین. تو نیز تیرانا! گشاده‌دستی و کرامت را از درختان میوه‌دار بیاموز و از بوستان و پالیز که به هر بهار

مجاز: همه وجود

سراپا شکوفه باشی و پای تاسر، گل و باهر تابستان از میوه‌های شیرین و سایه دلپذیر، خستگان راه را میزبانی کریم باشی و پای فرسودگان آفتاب زده را نوازشگری درمان بخش دردها. برکت و شادی باشد

وجودت مایه خیر،

برکت و شادی باشد

نه همین مهربانی را به مهر، که پاداش هر زخمه سنگی را دست‌های کریم تو میوه‌ای چند شیرین ایثار کند. تو اگر آن مایه کرامت را از مادر به میراث می‌داشتی، می‌بایست همانند با درختان بارور، بخشنده‌گی و ایثار را سراپا دست باشی. سپاس خورشید را که به هر بامداد بر سر

استعاره: نور خورشید استعاره: باران

تو زرافشانی می‌کند و ابر، گوهر. افسانه می‌کند، حذف به قرینه لفظی

تیرانا! اگر هیچ در سرنوشت از آزادگی بهره‌ای باشد، همینم از آفریدگار، سپاس‌گزاری بس که بدین سعادت رهنمون بود تا هرگز فریب آژاده مردم را از خویشتن بتی نسازم. مغرور نشوم

برهیز از فریبکاری و غرور

تیرانا، محمدرضا رحمانی (مهرداد اوستا)

نویسنده و شاعر معاصر



خوب بودن، مهربانی، بخشش، تواضع و تمام ویژگی‌های زیبای انسانی، بهره و نعمتی است از جانب خداوند و مایه خوشبختی؛ قدر این نعمت‌ها را بدانیم و سپاسگزار باشیم.

هر چه بروی